

مالیت دانش فنی از منظر فقه و حقوق ایران^۱

عبدالحسین شیروی^۲

مجید سربازیان^۳

چکیده

«دانش فنی» اصطلاحی است که کمتر به عنوان موضوع اصلی قرارداد مورد توجه واقع شده است، اما در قریب به اتفاق قراردادهای لیسانس به چشم می‌خورد. همین امر باعث شده که محققان به تبیین مفهوم و ماهیت آن همت گمارند تا آثار ناشی از قراردادهای انتقال دانش فنی مشخص شود.

در این نوشتار ضمن تبیین اصطلاح دانش فنی، مالیت آن مورد بحث قرار می‌گیرد تا معلوم شود که آیا دانش فنی در زمره اموال قرار دارد تا بتوان آن را موضوع معامله قرار داد یا آن که فاقد جنبه‌ی مالی است. در نهایت نوع مالیت دانش فنی و این که آیا عین، منفعت یا حق است بررسی می‌شود. تبیین مسأله‌ی اخیر برای شناسایی ماهیت قرارداد دانش فنی و آثار مترتب بر آن مفید خواهد بود.

واژگان کلیدی: دانش فنی، مالیت، عین، منفعت، حق.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۲/۵/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی مقاله ۱۳۹۲/۷/۱۷.

۲. دکتری حقوق خصوصی، استاد دانشگاه تهران.

۳. دکتری حقوق خصوصی، استادیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز؛ نویسنده‌ی مسؤل:

Sarbazian@gmail.com

درآمد

اقتصاد روز دنیا به صورت فزاینده‌ای به سوی شناسایی اموال غیر مادی می‌رود؛ در حالی که حقوق و مقررات ایران به طور عمده به اموال مادی پرداخته است. این نگرانی در جوامع صنعتی نیز مشاهده می‌شود (Bressand, 1996, p: 6). از این رو قوانین و مقررات مربوط به اموال و مالکیت باید با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

از جمله موضوعاتی که وجود عینی خارجی ندارد و در حوزه‌ی اقتصادی و تجاری از اهمیت شایانی برخوردار است، «دانش فنی»^۱ است. تجربه نشان داده است که اعطای «مجوز بهره‌برداری از حق اختراع»^۲ بدون در اختیار قرار دادن دانش فنی مرتبط برای استفاده‌ی تجاری از آن کفایت نمی‌کند؛ زیرا به ندرت اتفاق می‌افتد که در «ورقه‌ی ثبت اختراع» عناصر و داده‌های مربوط به افزایش توان تجاری بیان شود. از این رو دانش فنی و داده‌ها از اهمیت برخوردار است. برخی معتقدند: «در بسیاری از موارد، به ویژه در فن‌آوری شیمی، دانش فنی مهم‌ترین بخش قرارداد انتقال تکنولوژی محسوب می‌شود» (Homer, 1978, p: 6) و عده‌ای نیز در بیان اهمیت این اطلاعات گفته‌اند: «اسرار تجاری می‌تواند باعث شود که ارزش قرارداد لیسانس برای دو طرف قرارداد، سه تا ده برابر افزایش پیدا کند» (Jager, 2002, p:127).

اصطلاح دانش فنی در سیستم‌های حقوقی تحت عناوین متفاوتی از قبیل «اطلاعات محرمانه»، «اسرار تجاری» یا «راز کسب و کار» شناخته می‌شود. به طور دقیق نمی‌توان میان این مفاهیم تمایز ایجاد کرد؛ این اصطلاحات گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند (Czaprack, 2008, p: 230). به عنوان نمونه، ماده‌ی ۱۷ قانون رقابت غیرمنصفانه‌ی آلمان، اصطلاح «اسرار تجاری»^۳ و «اسرار صنعتی»^۴ را به کار برده است، در حالی که میان این دو اصطلاح تفاوت چندانی دیده نمی‌شود. در

1. Know-how

2. License of Patent

3. Geschäftsgeheimnisse

4. Betriebsgeheimnisse

کشور فرانسه از اصطلاحاتی نظیر «دانش فنی»^۱، «اسرار تولید»^۲ و «اسرار تجاری»^۳ استفاده شده که معانی آن‌ها به هم نزدیک است (همان: ۲۳۰). دادگاه‌های انگلیس اصطلاحات «اطلاعات محرمانه»، «اسرار تجاری» و «دانش فنی» را به کار گرفته‌اند، در حالی که در کشور لهستان دو اصطلاح «اسرار تجاری» و «دانش فنی» متداول است (همان: ۲۳۱). از اصطلاحات مذکور به ندرت تعریف حقوقی یافت می‌شود و می‌توان گفت که دکترین حقوقی در این خصوص توافق ندارد.

در این نوشتار، ابتدا مفهوم دانش فنی بیان می‌شود. سپس ماهیت حقوقی و فقهی آن مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این اساس، در قسمت نخست، مفهوم و ویژگی‌های دانش فنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از سایر اصطلاحات مشابه تمییز داده می‌شود. در قسمت دوم مالیت دانش فنی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران بررسی خواهد شد و مشخص می‌شود که در صورت مالیت، دانش فنی در کدام دسته از اموال قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم دانش فنی

در برخی منابع آمده است: «از نظر حقوق تجارت، دانش فنی عبارت از مجموعه‌ی اطلاعات، تجربیات و فنونی است که توسط شخص یا شرکت گردآوری شده و می‌توان آن را به صورت معوض یا مجانی به دیگران منتقل نمود» (Robert, 1991, p: 1772). در تعریف «موسرون»^۴ برخی عناصر دیگر نیز به تعریف اخیر اضافه شده است. از نظر وی، دانش فنی عبارت از اطلاعات فنی قابل انتقال است که دسترسی به آن برای عموم آسان نباشد (Mousseron, 1976, p: 10).

اتحادیه‌ی اروپا به موجب آیین‌نامه‌ی معافیت^۵ شماره‌ی ۷۷۲/۲۰۰۴ مورخ بیست و هفتم آوریل ۲۰۰۴ دانش فنی را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه‌ای از

1. Savoir-faire

2. Secrets de fabrique

3. Secrets de commerce

4. Mousseron

5. Commission Regulation (EC) No 772/2004 of 27 April 2004 on the Application of Article 81(3) of the Treaty to Categories of Technology Transfer Agreements

اطلاعات کاربردی که به ثبت نرسیده، منبعث از تجربه‌ی انتقال‌دهنده و آزمایش شده توسط وی است و از خصوصیت محرمانگی، اساسی و معین بودن برخوردار است» (Official Journal of the European Union, 27.4.2004, p: 9).

برخی دیگر معتقدند دانش فنی در اغلب موارد دانشی است که به تحقق نتایج خاصی منجر می‌شود، مانند فرمول ترکیب، فرایند تولید، انتخاب مواد اولیه، انتخاب دمای بهینه، انتخاب بهترین شرایط برای تولید که همگی دانش فنی به حساب می‌آیند (Schmidt-Szalewski, 2001, p: 2).

در فرهنگ حقوقی ذیل اصطلاح دانش فنی آمده است: «اطلاعات، آگاهی کاربردی و فنی و مهارتی که برای به دست آوردن برخی اهداف عملی، به ویژه در زمینه‌ی صنایع یا فناوری مورد نیاز می‌باشد. دانش فنی، مال غیر ملموس به حساب می‌آید و حقوق متعلق به آن را می‌توان مورد خرید و فروش قرار داد»^۱.

با الهام از قوانین و رویه‌های قراردادی، دانش فنی چنین تعریف می‌شود: «هرگونه اطلاعات فنی واجد کارکرد صنعتی، از قبیل طرح‌ها، نقشه‌ها، دستورالعمل‌ها، نرم‌افزارها و مشاوره‌های مهندسی که قابل انتقال به دیگران است و باعث پیشی گرفتن شخص دارنده‌ی آن از رقبایش می‌گردد؛ در حالی که در دسترس عموم نیست و از حمایت حقوق مالکیت‌های فکری نیز برخوردار نمی‌باشد». بهتر است برای شناخت تعریف دانش فنی، ویژگی‌های آن بیان شود.

۲. ویژگی‌های دانش فنی

نخستین ویژگی دانش فنی، دانش تلقی کردن آن است. دانش فنی، شکل مادی ندارد و نباید با قالب آن که صورت مادی دارد خلط شود؛ به عبارت دیگر، نقشه‌ها، دفترچه‌های آزمایشگاهی، پلان‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که صورت مادی دارند، در عنوان دانش فنی نمی‌گنجد.

دومین شاخصه‌ی دانش فنی، ویژگی فنی بودن آن است؛ دانش فنی دانش مربوط به حوزه‌ی صنعت است. دانش فنی تجاری نیز وجود دارد که متشکل از مجموعه‌ای از علوم غیر فنی است که در بحث قراردادهای فرانشیز از

1. Black's Law Dictionary.

اهمیت بسیاری برخوردار است و از حیطة‌ی این نوشتار خارج است. در آیین‌نامه‌ی اروپایی (۲۰۰۴) دانش فنی به مجموعه‌ای از اطلاعات کاربردی اطلاق شده است که ناشی از «آزمون و خطا» است، در حالی که در آیین‌نامه‌ی سال ۱۹۹۶ تنها «اطلاعات فنی» آمده بود. هدف از این تغییر آن بوده که اطلاعات انتزاعی را از قلمرو دانش فنی خارج کند و برای کارکرد عینی اطلاعات اهمیت بیشتری قائل شود (Official Journal of the European Union, 2004, p:5).

سومین خصیصه‌ی دانش فنی این است که به ثبت نرسیده یا قابل ثبت نمی‌باشد. از اسناد و متون قانونی، شرط قابلیت ثبت برای دانش فنی لحاظ نشده است و بنابر این لازم نیست که دانش مورد نظر قابل ثبت باشد. در آیین‌نامه‌ی اروپایی ۲۰۰۴ به این نکته تصریح شده است و رویه‌ی قضایی فرانسه نیز با این نظر هماهنگ می‌باشد (Schmidt, 2009, p: 5).

چهارمین ویژگی دانش فنی، محرمانگی آن است. از این رو اطلاعاتی که عموم به آن دسترسی دارند، دانش فنی تلقی نمی‌شود.

به عنوان پنجمین خصوصیت دانش فنی باید گفت لازم نیست در مورد آن ابداعاتی صورت گرفته باشد؛ هر چند برای ثبت اختراع، ابداعاتی بودن آن الزامی است، دانش فنی هم‌چون حق پدیدآورنده، حق بر طرح‌ها و مدل‌ها و حق بر گونه‌های گیاهی، مستلزم ابداع نیست.

ششمین ویژگی دانش فنی «اساسی بودن» آن است. این شرط مشخص می‌کند که دانش فنی حاوی اطلاعاتی است که برای اجرای فرایند یا برای تولید محصول، مفید و ضروری است.

شاخص هفتم، «قابلیت شناسایی» است. این شرط که در حقوق اروپا مطرح شده است (Official Journal of the European Union, 2004, p:10)، حاکی از آن است که امکان اثبات تفاوت‌ها و امتیازات خاص دانش فنی و محرمانه بودن آن باید وجود داشته باشد و به نمایش در آید. این شرط زمانی محقق می‌گردد که دانش فنی در دستورالعمل‌های کتبی یا هر سند نوشته‌ی دیگری ظهور پیدا کند.

آخرین ویژگی دانش فنی، «قابلیت انتقال» آن به دیگران است. با این شرط می‌توان دانش فنی را از توانایی‌های شخصی که امکان انتقال آن به دیگران وجود

ندارد، تمیز داد. مهارت فنی و تخصص و تجربه‌ای که از دارنده‌ی آن قابل تفکیک نباشد، دانش فنی محسوب نمی‌شود. معیار تمیز میان تجربه‌ی شخصی که ذاتی فرد است و دانش فنی که متعلق به بنگاه فرد است، در وابستگی اطلاعات به فرد دارنده‌ی آن نهفته است (Maelis, 2001, p:105).

۳. مالیت دانش فنی

واژه‌ی مال، نیاز به تعریف ندارد؛ زیرا نزد عموم شناخته شده است و هر آن‌چه را که مردم مال بدانند، اهل لغت نیز مال می‌داند. نکته‌ی مهم در تعریف لغویون آن است که میان مال و ملک ارتباط نزدیکی در نظر گرفته‌اند.^۱ دلیلی وجود ندارد که مال منحصر به اعیان باشد، بلکه شامل منافع و اعمال نیز می‌گردد و در قاموس‌اللغه نیز در معنای عام به کار رفته است.^۲

برخی از چیزها مورد نیاز عموم است و مردم در خصوص مالیت آن اظهار نظر می‌کنند، ولی بسیاری از چیزهای ارزشمند، مورد نیاز عموم نیست و برای افراد خاصی ارزش دارد. دانش فنی هم از جمله مواردی است که ممکن است عموم نسبت به ارزشمند بودن آن آگاهی نداشته باشند، اما افرادی که در حوزه‌ی تخصصی مربوط به آن رشته مشغول فعالیت هستند، در مالیت آن تردید ندارند.

۳-۱. مالیت دانش فنی از منظر فقهی

فقها در مباحث مختلف به بیان و تعریف مال پرداخته‌اند. این بحث عمدتاً در باب «ما لا ینتفع به» در بیان مکاسب محرمة و «مورد معامله» در بحث بیع مطرح شده است. اکثریت فقها مال را مفهومی اعتباری می‌دانند و چیزی را مال می‌دانند که طبع انسانی به آن گرایش داشته، نفع عقلایی بر آن مترتب بوده و برای زمان احتیاج آن را ذخیره می‌کنند (جزیری، ۱۴۰۵، ج ۵: ۱۹۶). برخی مال را به هر چیزی اطلاق کرده‌اند که عرف حاضر است در ازای آن بهایی پرداخت کند.^۳ برخی احتمال حصول

۱. برخی در معنای مال گفته‌اند: «المال فی الأصل: الملک من الذهب و الفضة ثم أطلق علی کل ما یقتنی و یملک من الأعیان» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۸: ۳۴۴؛ ابن منظوری، ۱۴۰۵، ج ۱۱: ۶۳۵؛ ابن اثیر جزیری، بی‌تا، ج ۴: ۳۷۳).
 ۲. «المال ما ملکته من کل شیء» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۹۹).
 ۳. «أن المالیه و المملکیه اعتباران عقلانیان، تنزع الاولی من الشیء بملاحظه کونه فی حد ذاته مما یمیل إلیه».

و تحقق منفعت و ارزش را برای مالیت کافی می‌دانند و بنابر این لازم نیست عرف ارزش مسلم و قطعی برای شیء قائل باشد، بلکه کافی است که احتمال منفعت وجود داشته باشد.^۱

در این که شیء باید از نظر شرع نیز مباح باشد، مورد اختلاف است. البته مباح بودن شیء برای مالیت شرعی لازم است و اگر چیزی مورد رغبت عقلا باشد، اما شرعاً مباح نباشد، مال به حساب می‌آید، ولی مشروعیت ندارد و در نتیجه نمی‌توان آن را مورد معامله قرار داد (جزیری، ۱۴۰۵، ج ۵: ۱۹۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۷).

برخی میان مالیت شرعی و عرفی قائل به تفکیک شده‌اند، بدین نحو که چیزی را مال محسوب نموده‌اند که منفعت عقلایی داشته باشد، ولی برای مالیت شرعی، قید محله را اضافه کرده‌اند.^۲ مشهور فقها معتقدند که برای مالیت لازم است میان مردم برای به دست آوردن شیء مورد نظر رقابت وجود داشته و به عبارت دیگر، به وفور موجود نبوده و آن شیء از عزت و ارزشمندی برخوردار باشد (طباطبایی حکیم، ۱۴۰۰: ۳۲۶-۳۲۵). از کلام فقها بر می‌آید که منافع هم جزء اموال تلقی می‌شود (خویی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶).

بر اساس تعاریف فقها، مال آن است که دارای منفعت است؛ ارزشمند است و در نتیجه برای به دست آوردن آن رقابت و تنازع است؛ عقلاً برای به دست آوردن آن حاضر به پرداخت بها می‌باشند، برای وقت نیازمندی ذخیره می‌گردد؛ و لازم است مباح بوده و دارای منفعت باشد.

با توجه به مفهومی که در بخش نخست این نوشتار از دانش فنی ارائه داده

النوع و يرغبون فيه و يبذلون بازائه شيئاً» (غروی اصفهانی، ۱۴۱۸: ۱۵).

۱. این مطلب در بحث عمل فرد آزاد (حر) بیان شده است: «إِنَّ عَمَلَ الْحَرِّ مَالٌ سِوَاكَانِ كَسْبُهَا أَمْ لَا ... نَعَمْ، مَالِيَّةٌ بِاعْتِبَارِ تَوَقُّعِ حَصُولِهِ وَ وَجُودِهِ، لَكِنْ لَا بِمَعْنَى أَنَّهُ قَيْدٌ لَهَا» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۷).

۲. «و فِی الْعَرَفِ أَنَّ الْمَالِيَّةَ إِنَّمَا تَنْتَزِعُ مِنَ الشَّيْءِ بِمُلَاحَظَةِ كَوْنِهِ فِي حَدِّ ذَاتِهِ مِمَّا يَمِيلُ إِلَيْهِ النَّوعُ، وَ يَدْخُرُ فِيهِ لِلانْتِفَاعِ بِهٖ وَفَتْحُ الْحَاجَةِ، وَ يَتَنَافَسُونَ فِيهِ، وَ يَبْذُلُونَ بِإِزَائِهِ شَيْئًا مِمَّا يَرْغَبُ فِيهِ مِنَ النِّقُودِ وَ غَيْرِهَا، ضَرُورَةُ أَنْ مِمَّا مِنَ الْحَنْطَلَةِ لَيْسَ كَالْمَنْ مِنَ التَّرَابِ، فَإِنَّ الْأَوَّلَ يَنْتَزِعُ مِنْهُ عُنْوَانُ الْمَالِيَّةِ دُونَ الثَّانِي وَ أَمَّا عِنْدَ الشَّرْعِ فَمَالِيَّةٌ كُلُّ شَيْءٍ بِاعْتِبَارِ وَجُودِ الْمَنَافِعِ الْمَحْلَلَةِ فِيهِ، فَعَدَمُ الْمَنْفَعَةِ الْمَحْلَلَةِ (كَالْخَمْرِ وَ الْخَنْزِيرِ) لَيْسَ بِمَالٍ» (خویی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴-۶).

شد، دانش فنی مجموعه اطلاعاتی است که کارآیی دارد و به کار حوزه‌ی صنعت می‌آید. از این رو، شرط داشتن منفعت در مورد دانش فنی محقق است. همچنین، دانش فنی مورد رغبت است و شرکت‌ها و افراد ذی‌ربط می‌توانند از طریق آن تولیدات و محصولات خود را بهینه کنند. البته با افشا شدن دانش فنی، دیگر کسی به آن رغبت ندارد و برای کسب آن رقابت نخواهد کرد.

در این که رغبت باید نوعی یا شخصی باشد، میان فقها اختلاف نظر است؛ برخی معتقدند که عموم مردم باید به آن رغبت داشته باشند و تعبیر آنان از «نفع معتبر» آن چیزی است که در نظر عقلا نفع محسوب می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴: ۶۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۸: ۴۲۹؛ خویی، ۱۴۱۲: ۲۴؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۲؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۶؛ خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۲).

برخی دیگر از فقها، ملاک را شخصی می‌دانند و به عنوان مثال گفته شده است، لازم نیست که شیء مورد معامله نوعاً مال باشد ...، حتی اگر نزد عده‌ای محدود یا شخص خاصی مال محسوب شود، مانند آن که شخص به مرض ویژه‌ای مبتلا باشد و درمان وی در همان چیزی است که دیگران رغبتی بدان نشان نمی‌دهند و حاضر است آن را با ثمن بالا خریداری نماید (موسوی خمینی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۰-۸). عبارات برخی دیگر از فقها نیز بر انتخاب معیار شخصی دلالت دارد (منتظری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۰۸؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۶۵). حتی در صورتی که ملاک نوعی باشد، مقصود از قضاوت عرف نسبت به مالیت از دید کسانی است که به آن کالا نیاز دارند و در شرایطی هستند که آن کالا می‌تواند نیازهای آن‌ها را تأمین کند. این نظر در گفتار برخی فقها نیز منعکس شده است: «ولو این که مورد معامله منفعت نادری داشته باشد و یا مورد نظر شخص خاصی قرار گرفته باشد ... این ایراد که غرض شخص خاص کافی نیست، به این دلیل که به مجرد غرض شخص خاص، عنوان مال بر آن صدق نمی‌کند و بیع مبادله‌ی مال با مال است، وارد نمی‌باشد؛ زیرا اولاً، منظور ما از مال چیزی نیست جز سلطنت شخص بر عین؛ آن چنان که دیگری نتواند به آن دست یابد؛ ثانیاً، غرض شخصی به غرض نوعی نیز بر می‌گردد؛ زیرا هر کس دیگری هم که در مقام و موقعیت وی قرار گیرد، آن شیء مورد نظرش واقع می‌شود» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰: ۱۳).

از نظر فقه‌های دسته‌ی دوم، ملاک مالیت و نفع داشتن شیء، شخصی است که از عقل متعارف نوعی برخوردار باشد؛ به نحوی که عرف نیز پس از آگاهی از نیاز وی و نقشی که شیء مزبور در رفع آن نیاز دارد، به مالیت آن اذعان می‌کند. امروزه بسیاری از اشیاء مورد نیاز عموم نیست و تنها عده‌ی معدودی به آن نیاز دارند. در خصوص این اموال نمی‌توان گفت که مالیت ندارند. مانند قطعات یدکی هواپیمایی که تنها در اختیار یک فرد است، تنها برای آن فرد ارزش دارد، اما عرف نیز به این واقعیت اذعان دارد که این قطعات یدکی برای هر کس دیگری که صاحب هواپیما بود، ارزشمند تلقی می‌شد، هر چند در عمل تنها یک فرد صاحب چنین هواپیمایی است. از این رو برای تشخیص مالیت دانش فنی باید به کسانی مراجعه کرد که در آن صنعت و حرفه مشغول به کار هستند و به ارزش آن اذعان دارند.

دانش فنی توسط دارنده مورد حفاظت قرار می‌گیرد و دارنده سعی می‌کند از افشای آن جلوگیری کند تا در موقع مناسب آن را به دیگران بفروشد و دیگران نیز حاضرند در ازای پرداخت مبلغی آن را به دست آورند. این رغبت کافی است که دانش فنی را در زمره‌ی اموال قرار دهد.

افزون بر ایراد مالیت، ایراد دیگری نیز بر دانش فنی وارد شده است و آن عدم قابلیت تملک است. این ایراد اختصاص به دانش فنی ندارد و شامل صور گوناگون مالکیت معنوی نیز می‌شود. بر اساس این نظریه، «مالکیت معنوی از طرف شارع امضاء و اعتبار نشده است ... و اگر گفته شود این هم حقی است که عرف زمان آن را اعتبار می‌کند، نظیر حق تحجیر و حق سبق که چون شارع از آن ردع نکرده، از عدم ردع او، امضاء را کشف می‌نماییم و لذا معتبر است، در پاسخ باید گفت نسبت به حقوقی که در دوران‌های متأخر از عصر شارع مقدس و ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام عرفاً یا حسب قوانین موضوعه مستحدث می‌شود، تمسک به اطلاق یا عموم آن پذیرفته نیست. البته اقتباس از اختراع یا تألیف یا تجدید طبع کتاب یا تقلید از آثار هنری مشروع، اگر متوقف بر تصرف در مال غیر باشد، بدون اذن صاحب مال جایز نیست، اما بر حرمت نفس اقتباس دلیلی وجود ندارد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱: ۲۰۵).

در پاسخ به این ایراد می‌توان استدلال نمود که: «به گواهی تاریخ در قضیه‌ی

اسرای جنگ بدر، پیامبر صلی‌الله علیه و آله با اسیرانی که از سواد بهره‌مند بودند، شرط نمود که اگر هر یک از آن‌ها که به چند تن از مسلمانان دانش بیاموزد، آزاد خواهد شد. این رفتار نشان می‌دهد که رسول اکرم برای آموخته‌های انسان ارزش مالی قائل بودند و آن را با اشیای مادی قابل مبادله می‌دانستند (همان: ۲۰۸). به عبارت دیگر، آثار علمی نیز قابل تملک است و شاید به همین دلیل برخی از علمای متقدم شیعه، مانند سید مرتضی و شیخ طوسی، اعمال آموزشی انسان را ملک شمرده‌اند و اعتقاد دارند که آن اعمال می‌تواند در عقد نکاح صدق قرار گیرد (علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۲۹۱).

هم‌چنین فقها معترف‌اند که موقعیت‌های مکانی و زمانی یک موضوع می‌تواند در تعلق حکم بر آن نقش داشته باشد. در بیشتر موارد، دلیل حکم حرمت و جواز در خرید و فروش اشیاء، وجود یا عدم وجود «منفعت مقصوده‌ی عقلانی» است. در بسیاری از موارد، وجود یا فقد منفعت نمی‌تواند به طور مطلق مورد قضاوت قرار گیرد و چه بسا اشیایی که در زمان یا مکان خاصی دارای منفعت است و در زمان یا مکان دیگر، منفعتی برای آن متصور نیست. این امر مورد تایید فقها است که شیء می‌تواند در یک زمان و مکان خاص مال نباشد، اما در زمان و مکان دیگر، به لحاظ فایده‌ی جدیدی که بر آن مترتب می‌گردد، مال تلقی گردد. در این خصوص، بیان یکی از فقهاء در موضوع مالیت خون چنین است: «ظاهر بر این است که خون را می‌توان در غیر اکل مورد استفاده و خرید و فروش قرار داد و آن چه در خصوص حرمت آن از آیات و روایات وارد شده، دلالت بر حرمت مطلق انتفاع نمی‌کند. به علاوه، این که در آن زمان که حرمت وارد شده است، نمی‌توانستند استفاده‌ای جز خوردن از خون کنند، حرمتی که ذکر شده، منصرف به همان خوردن می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۹). برخی دیگر از فقها نیز، مضمون این کلام را تایید نموده‌اند (مرتضوی لنگرودی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۴).

نسبی بودن مالیت شیء در تایید مال بودن دانش فنی نیز به کار می‌آید؛ زیرا، لازم نیست چیزی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها مال باشد، لذا دانش فنی که ممکن است در جایی و در زمانی مال بوده و عناصر مالیت را داشته باشد، در جای دیگر فاقد ارزش مالی باشد. با این توضیحات این ایراد دفع می‌شود که مالیت دانش فنی محدود

به زمان و مکان خاصی است و ممکن است با افشای آن از مالیت بیفتد.

شارع در زمینه‌ی شناسایی مالکیت، سیره‌ی عقلا را امضا کرده است. عدم وجود چنین سیره‌ای نسبت به مالکیت معنوی در زمان شارع به این معنا نیست که شارع چنین مالکیتی را هرگز شناسایی نخواهد کرد. این که شارع حکم خود را بر سیره یا مفاهیم عرفی و عقلایی قرار می‌دهد، بدین معنا است که بنای شارع امضای همان نظمی است که عقلاء میان خود ایجاد کرده‌اند و بنا نبوده است چنین نظمی دگرگون شود. این امر به جاودانه بودن احکام شرع دلالت دارد که خود را با مقتضای زمان تطبیق می‌دهد.

ایراد دیگری که از طرف اهل سنت مطرح شده، آن است که «مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام ناسازگار است و معتبر دانستن این حق سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می‌شود که مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی (شبیر، ۱۴۱۸: ۵۶). در جواب این استدلال باید گفت بی‌تردید اسلام برای علم و عالم ارزش و منزلت خاصی قائل شده است، اما آیا از نظر اسلام پول گرفتن و کسب درآمد مالی با هر امر مقدسی حرام و غیر جایز است؟ گذشته از این، برخلاف سخن ایشان، هدف اصلی نظام مالکیت معنوی، فراهم کردن زمینه‌ی گسترش و رونق علم است و دیگر این که، کتمان علم با کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو امر کاملاً متفاوت است. هم‌چنین فقها کار بر روی اشیای مادی را موجب ملکیت می‌دانند، مانند این که سنگ مباحی به ابزاری تبدیل شود که قیمت داشته باشد. حال اگر کسی کتابی را تألیف کند، فیلمی بسازد و یا سایر آثار ادبی و هنری را خلق کند، این استدلال که چون این آثار مادی نیست، پس نسبت به آن‌ها حق مالکیت ایجاد نمی‌شود، قابل پذیرش نمی‌باشد. امور مادی با معنوی از این جهت تفاوتی ندارند؛ هم‌چنان که نتیجه‌ی کار بر روی اشیای مادی حائز اهمیت بوده و از احترام برخوردار است، باید نتیجه‌ی کار روی امور غیر مادی نیز مال محسوب شود؛ زیرا این مورد از سوی شارع منع نشده است.

۲-۳. توصیف دانش فنی از منظر فقهی

فقه‌ها در مبحث بیع که به لزوم عین بودن مبیع اشاره می‌کنند، عین را در مقابل منفعت و حق به کار برده‌اند؛ تنها معدودی از فقها تعریف مختصری از آن ارائه نموده‌اند که نشان می‌دهد اموال غیر مادی نمی‌تواند جزء دسته‌ی اموال عینی قرار گیرد: «المراد من العین ما إذا وجد فی الخارج کان جسماً مشتملاً علی الأبعاد الثلاثة: العرض، و الطول، و العمق» (خویی، ۱۴۱۲: ۱۶). در عرف نیز از واژه‌ی اعیان، اشیای ملموس خارجی به ذهن متبادر می‌شود. فقها در توضیح «عین بودن»، به تقابل آن با «منفعت» و «حق» اشاره کرده‌اند، اما اشاره‌ای به وجود خارجی بالفعل آن نکرده‌اند (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۸۸؛ مروج جزائری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۳؛ خویی، ۱۴۱۲: ۱۶). این تعبیر فقها حاکی از آن است که اموال فکری در دسته‌ی اعیان قرار نمی‌گیرد، اما جهت تبیین بیشتر موضوع بررسی مفهوم حق و منفعت، ضروری است.

حقی می‌تواند مال تلقی شود که قابل نقل و انتقال باشد. در تعریف این نوع از حق که بیشتر در مبحث موضوع عقد و عین بودن مبیع مورد توجه فقها قرار گرفته است، گفته‌اند که نوعی سلطنت بر شیء می‌باشد، نظیر حق تحجیر که متعلق به عین است یا حق خیار و حق قصاص که به ترتیب تعلق به عقد و شخص دارند (یزدی، ۱۴۱۰: ۵۵). برخی آن را اضافه‌ی خاصی می‌دانند که به عین یا منفعت تعلق می‌گیرد (خویی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۷) عده‌ای دیگر با تایید مطلب اخیر، آن را از سلطنت جدا کرده و سلطنت را اثر حق می‌دانند^۱ (آخوند، ۱۴۰۶: ۵). در یک جمع‌بندی کلی از کلام فقها، حق را می‌توان عبارت از سلطنت یا اعتبار خاصی دانست که برای شخص نسبت به عین یا منفعت وجود دارد.

با توجه به تعریف فوق از حق، دانش فنی «حق» قلمداد نمی‌شود؛ زیرا دانش فنی، خود موضوع بحث ماست نه حقوقی که نسبت به آن وجود دارد؛ دارنده‌ی دانش فنی بر اطلاعات خود تسلط دارد و این تسلط با اعمال حق حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر، این گونه نیست که عین یا دینی وجود داشته باشد و شخص نسبت به آن‌ها حقی داشته باشد؛ بنابر این اموال فکری نمی‌تواند حق باشد. به طور کلی، در مورد حق لازم است مقتضی از پیش موجود باشد.

۱. «لا یخفی ان الحق بنفسه لیس سلطنه و انما کانت السلطنه من آثاره».

دانش فنی را هم‌چنین نمی‌توان در زمره‌ی «منفعت» قلمداد کرد. از نظر فقهی «منفعت» همان چیزی است که نزد عامه‌ی مردم متداول شده و به همین دلیل به ذکر تعریفی از آن نپرداخته و صرفاً به آنچه با ابقای عین به صورت تدریجی حاصل می‌شود و افراد نسبت به آن رغبت دارند اطلاق می‌گردد و آن را مال قلمداد می‌کنند (خویی، ۱۴۱۲: ۳۲). با این برداشت از منفعت، دانش فنی جزء منافع اعیان قرار نمی‌گیرد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان دانش فنی را در زمره‌ی منافع اشخاص (اعمال) قرار داد. این سؤال از این جهت مطرح می‌شود که دانش فنی حاصل تلاش فکری انسان است و بنابر این جزء منافع اشخاص محسوب می‌شود. برخی از فقها در بحث از عمل انسان آزاد چنین گفته‌اند: «و أما جعله مئمناً فیه فلیس بجائز قطعاً، لأنه من المنافع» (خویی، ۱۴۱۲: ۳۴). این نظر در جایی که شخصی را به منظور دست‌یابی به دانش فنی یا آموزش آن استخدام می‌کنند، تا حدی قابل پذیرش است، اما در موضوع ما که دانش فنی ایجاد گردیده و در اختیار دیگری قرار می‌گیرد، قابل پذیرش نیست. دانش فنی مانند میوه‌ی جدا شده از درخت است که مورد داد و ستد قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالبی که در خصوص حق و منفعت از منظر فقهی گفته شد، در تقابل این دو مقوله با مفهوم عین می‌توان گفت «عین» آن چیزی است که وجود مستقل دارد و چون «عین» نه مفهوم شرعیه دارد و نه مفهوم متشرعه، لذا دانش فنی هم که از وجود مستقل برخوردار است، می‌تواند در زمره‌ی اعیان (عرفی) قرار گیرد و در پایگاه ذهنی یا در قالب لوح‌های فشرده، بر روی کاغذ یا سایر چیزها تجسم یافته و مستقر شود.

بر عین بودن دانش فنی این اشکال مطرح است که در نظر فقها عین چیزی است که وجود خارجی دارد و از ابعاد سه‌گانه‌ی طول، عمق و عرض برخوردار است. این اشکال ناشی از آن است که قبلاً اموال غیرمادی، رواج فعلی را پیدا نکرده بوده و عرف معاملات بر اعیان خارجی حاکم بود.

۳-۳. مالیت دانش فنی از منظر حقوق ایران

قوانین ایران تعریفی از «مال» ارائه نداده است، اما حقوق دانان در بحث اموال و مالکیت به تعریف این واژه پرداخته و برخی خصوصیات و انواع آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در بیان عناصر مال گفته شده است: مال چیزی مادی یا معنوی است که به شخصی اختصاص داده شده یا قابل اختصاص دادن است و دارای نفع مشروع عقلایی بوده و قابلیت آن را داشته باشد که در مصب معاوضه و مبادله قرار گیرد و نهایت این که قابل تقویم باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۲۸). ایرادی که در مورد مشروع بودن منفعت آورده شد، بر این تعبیر نیز وارد است. ایراد دیگر آن است که برخی از چیزها ممکن است به راحتی قابل تقویم نباشد، اما مال تلقی گردد.

نکته‌ی دیگری که حقوق دانان در بیان عناصر مال گفته‌اند، این است که «مال، حاکی نیست و هر چه که حاکی از واقعیتی باشد، آن واقعیت، مال است نه آن حاکی» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۴۳-۴۲). بر اساس این نظریه، بر خلاف تمبر و نیروی برق، سهام شرکت‌ها مال تلقی نمی‌شود؛ زیرا سهام حاکی از دارایی‌ها، مطالبات و تعهدات شرکت ذی‌ربط می‌باشد.

برخی از حقوق دانان بدون آن که تعریفی از مال ارائه کنند، به معیارهای شخصی و نوعی در تشخیص مالیت اشاره نموده و منفعت مشروع عقلایی را تخصیصی بر مورد معامله محسوب کرده‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۹). طبق یک نظر مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۰۲). این نظر برای مالیت وجود دو عنصر را ضروری می‌داند. نخست، دارا بودن فایده؛ و دوم، محدود بودن وجود یا عرضه‌ی شیء. نظر مذکور هم‌چنین بر آن است که شرایط محیط و وضعیت‌های شخصی و اجتماعی، با تنوعی که دارد، به مالیت مفهوم نسبی اعطاء می‌کند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۰۳).

از نظر برخی حقوق دانان، برای مال محسوب شدن شیء، دو عنصر لازم است: نخست، آن که مفید باشد و نیاز مادی یا معنوی افراد را برطرف کند؛ دوم، آن که، قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۹). در این دیدگاه، عنصر دوم مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است با این عبارت که

«اشیای مادی به این اعتبار که ملک اشخاص قرار می‌گیرد، مال محسوب می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۳).

برخی از اساتید حقوق، اموال را به دو دسته‌ی مادی و معنوی تقسیم می‌نمایند و پایگاه تحقق اموال غیر مادی را عالم ذهن و اندیشه می‌دانند؛ هر چند ممکن است با ابزار مادی و عینی ابراز و ارائه گردند (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵). ایشان کالاهای جدید مانند نرم‌افزارهای رایانه‌ای را مال و از نوع عینی می‌دانند. برای مال بودن این گونه کالاهای، به ارزش اقتصادی آن‌ها تکیه نموده و در مورد عین بودن آن‌ها نیز بیان می‌دارند که این نوع کالا منفعت محسوب نمی‌شود؛ زیرا از مال دیگر تولد نمی‌یابد و چون به مال عینی دیگر یا ذمه‌ی شخص دیگری وابسته نیست، در زمره‌ی حقوق قرار نمی‌گیرد و بی‌تردید از جمله‌ی اعمال هم نمی‌باشد. بنابر این به نظر می‌رسد که این گونه از کالاهای «عین» هستند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۰۳).

برخی نویسندگان، آفریدگار واقعی حقوق معنوی را اجتماع می‌دانند و معتقدند قانون‌گذار تنها می‌تواند برای ارزشی که ایجاد شده، حکم وضع کند و توزیع آن را عادلانه و منظم سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۳). درباره‌ی عین بودن این گونه اموال، با توجه به تمایل عرف برای گسترش دامنه‌ی بیع به مواردی چون سرقفلی و حق اختراع گفته شده است: «از این تمایل عرف باید سود برد و انتقال کالای در جریان (مانند نیروی برق) را بیع شمرد و رویه‌ی قضایی را به سویی کشاند که انتقال مالکیت حق و اموال غیر مادی نیز در تعریف بیع جای گیرد و قید «عین» تنها برای خروج اجاره از تعریف به کار رود» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۴۲). وفق تعبیر مذکور، اموال غیر مادی چون نتیجه‌ی سایر اموال محسوب نمی‌شوند، بنابر این عین هستند.

برآمد

به عنوان نتیجه‌گیری باید گفت:

۱- دانش فنی و ایده‌های اشخاص، اشیای ارزشمندی محسوب می‌شوند که اجزای ابتدایی بسیاری از اختراعات مبتکرانه را تشکیل می‌دهد. دلیل ارزشمندی و کمیابی آن‌ها، تنازع افراد برای اکتساب اطلاعات مربوطه و نیز، امکان رفع نیازهای افراد به واسطه‌ی دانش فنی است.

۲- پیشینه‌ی مفاهیم بنیادین مالکیت به پیش از اختراعات و دانش فنی پیچیده‌ای که اکنون وجود دارد، بر می‌گردد؛ اما حمایت از این الحاقات اجتماعی در قالب قوانین مالکیتی موجود، یکنواختی و آینده‌نگری را ارتقا می‌بخشد. از این رو و با توجه به ویژگی‌هایی که برای دانش فنی برشمردیم و هم‌چنین، با توجه به عناصری که در بیان علمای شریعت و حقوق برای مالیت اشیاء عنوان شد، دانش فنی مال به حساب می‌آید.

۳- با توجه به دلایل ابراز شده، این نوع از اطلاعات در زمره‌ی اعیان قرار نمی‌گیرد، بلکه واقعیت خاصی است که به کمک آن می‌توان ایده‌های افراد را مورد حمایت قرار داد.

فهرست منابع

- ابن اثیر جزری، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، جلد چهارم، قم: اسماعیلیان، چاپ نخست، ۱۳۶۷.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، جلد یازدهم، قم: ادب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *حدائق الناضره فی احکام عترة الطاهره*، جلد هجدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ نخست، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- بقال، عبدالحسین محمدعلی، *المعجم المجمع*، جلدهای هفتم و هشتم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۷۶.
- تهرانی، محمدصادق، *تبصره الفقهاء*، جلد نخست، تهران: فرهنگ اسلامی، چاپ نخست، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ یاسر، مازح، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، جلد پنجم، بیروت: دارالثقلین، چاپ نخست، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق اموال*، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۶۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *الفارق*، جلد چهارم، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
- خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *حاشیه المکاسب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- خوانساری، سید احمد، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، جلد سوم، قم: موسسه‌ی اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه (المکاسب)*، جلد دوم، قم: المنتخب، ۱۴۱۲ هـ.ق.

روحانی، سید محمدصادق، *فقه الصادق*، جلد چهاردهم، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.

شبیر، محمدعثمان، *المعاملات المالیه المعاصره فی الفقه الاسلامی*، اردن: دارالنفائس، چاپ نخست، ۱۴۱۶ هـ.ق.

شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: حقوق دان، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی ۶*، تهران: مجد، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

شیخ انصاری، مرتضی بن محمدامین، *مکاسب المحرمه*، تصحیح و تعلیق: شیخ احمد پایانی، جلد نخست، قم: کنگره‌ی جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ نخست، ۱۴۱۵ هـ.ق.

طباطبایی حکیم، سید محسن، *نهج الفقاهه*، قم: بیست و دوم بهمن، چاپ نخست، ۱۴۰۰ هـ.ق.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم، *حاشیه مکاسب*، جلد نخست، قم: موسسه‌ی اسماعیلیان، چاپ نخست، ۱۴۱۰ هـ.ق.

طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *الخلاف*، جلد چهارم، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی، چاپ نخست، ۱۴۱۵ هـ.ق.

علم‌الهدی، شریف مرتضی، *الانتصار*، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی، ۱۴۱۵ هـ.ق.

غروی اصفهانی، شیخ محمدحسین، *حاشیه کتاب مکاسب*، جلد پنجم، قم: محقق، چاپ نخست، ۱۴۱۸ هـ.ق.

غروی نائینی، میرزا محمدحسین بن عبدالرحیم، *منیه الطالب فی حاشیه مکاسب (شیخ موسی بن محمد نجفی خوانساری)*، جلد نخست، تهران: المکتب المحمدیه، چاپ نخست، ۱۳۷۳.

فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، جلد هشتم، قم: دارالهجره، چاپ نخست، ۱۴۰۵ هـ.ق.

قاسم‌زاده، سید مرتضی، *اصول قراردادها و تعهدات*، تهران: دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

کاتوزیان، ناصر، *اموال و مالکیت*، تهران: دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

کاتوزیان، ناصر، **دوره عقود معین (۱)**، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

کرکی، علی بن حسین عاملی (محقق ثانی)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، جلد چهارم، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

مرتضوی لنگرودی، سید محمد مهدی، **شرح عبد‌الصاحب علی‌المکاسب**، جلد نخست، قم: مکتبه المفید، بی‌تا.

مروج جزایری، سید محمد جعفر، **هدی الطالب فی شرح المکاسب**، جلد نخست، قم: مؤسسه‌ی دارالکتاب، چاپ نخست، ۱۴۱۶ ه.ق.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، جلد هشتم، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ نخست، ۱۴۰۳ ه.ق.

منتظری، حسین علی، **دراسات فی المکاسب المحرمه**، جلد دوم، قم: دارالفکر، چاپ نخست، ۱۴۱۵ ه.ق.

موسوی خمینی، سید روح‌الله، **المکاسب المحرمه**، جلد نخست، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۴۱۵ ه.ق.

موسوی خمینی، سید روح‌الله، **کتاب البیع**، جلد نخست، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

موسوی خمینی، سید روح‌الله، **کتاب البیع**، جلد سوم، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۴۱۳ ه.ق.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، **مسئله‌ی الشیعه فی احکام الشریعه**، جلد چهاردهم، قم: موسسه‌ی آل‌البیت، چاپ نخست، ۱۴۱۵ ه.ق.

Bressand, B. *“La protection du secret de fabrique et l’espionnage industriel”*, Paris-II, mémoire de DESS, 1996.

Blair, Homer O. *“Understanding Patents, Trademarks, And Other Proprietary Assets And Their Role IN Technology Transfer And Licensing: The Practical”*, Paris, 1978.

Cherpillod, Ivan, *“Objet du Droit D’Auteur”*, Thèse Lausanne, 1985.

Jager, Melvin F. *“The Critical Role of Trade Secret Law in Protecting Intellectual Property Assets”*, in Licensing Best Practices: The Lesi Guide To Strategic Issues And Contemporary Realities”, Robert Goldscheider ed., 2002.

Katarzyna A. Czapracka, Santa Clara, *“Antitrust and Trade secrets: The U.S. and EU Approach”*, Computer & High Tech. L.J., Vol. 24, 2008.

Official Journal of the European Union, 27.4.2004.

Robert, Paul, *“Petit Robert”*, Dictionnaire de la Langue Française, Paris, 1991.

Mousseron (J-M) , *“Savoir-faire”*, Dalloz . 1976.

Schmidt-Szalewski, Joanna, *“Savoir-Faire”*, Rép. com. Dalloz, 2009.

Vincent, Maëlis, *“La protection du secret en propriété industrielle”*, ,Memoire, Université Lille 2 Droit et Santé, 2001.